

برون‌گرایی-درون‌خوری



سیدمصطفی‌هاشمی‌طبا

می‌گویند ساعد مراغه‌ای، یکی از سیاست‌مداران دوره پهلوی که مدت‌های مدید سمت‌های مختلف ازجمله نخست‌وزیری را برعهده داشت، هرگز سرش را بالا و پایین نمی‌برد و فقط آن را به چپ و راست حرکت می‌داد زیرا نمی‌خواست دیگران بدانند که او موافق یا مخالف لولایج و طرح‌ها یا اظهارنظر دیگران است و البته در زبان عامه به این روش می‌گویند «وسط لحاف خوابیدن».

این رفتار تاریخی را به این بهانه نوشتم که می‌بینیم حکمرانی کشور ما در برابر مسائل مختلف نابودکننده کشور فقط به چپ و راست نگاه می‌کند و اگر هم حرفی در مقام موضع‌گیری بیان می‌شود، به طریقی با اماواگر همراه می‌شود که اصل موضوع فراموش شود. به‌تازگی ملاقاتی با برخی دوستان تکنوکرات (چون نمی‌توان گفت صنعتگر) داشتم و با توجه به آنکه هر وقت صحبت تولید داخلی خودرو می‌شود، همه حرف‌ها به زبان انباشته شرکت‌ها، قیمت‌گذاری دستوری و شبیه به این ختم می‌شود. گفتم باید ببینیم اصلا نظرمسان راجع به خودروی شخصی چیست. سیاست‌گذاری درباره آینده خودرو کدام است. درحال حاضر در ضمن آنکه همه به خودروی داخلی دشنام می‌دهند و به آن القایی مانند بنزین‌خور، تابوت متحرک و صفات مشابه دیگری نسبت می‌دهند. از همین نوع اتومبیل سالانه یک میلیون تولید می‌شود و سر آن هم دعواست! شهروبر گذشته وزیر محترم وقت صمت یک خودروی برقی را نزد رئیس‌جمهور برد و گفت تا پایان سال صد هزار دستگاه از این خودرو را تحویل می‌دهیم. البته نگفت درباره ایستگاه‌های شارژ چه می‌کنیم، شاید به‌این‌خاطر که می‌دانست عددی قابل‌تحویل نخواهد بود و طبعاً در پایان سال هم از تولید خودروی برقی خبری نشد. حال می‌پرسم که نگاه ما به خودروی شخصی چیست؟ آیا مثل آلمان می‌گوییم تا ۲۰۳۵ همه خودروها برقی می‌شود یا به خودروی هیبریدی روی می‌آوریم یا اصلاً مثل کره شمالی همه اتومبیل‌ها را از رده خارج می‌کنیم و تولید و واردات نخواهیم داشت یا مثل کوبا زمان را به تاریخ سرنگونی باتیستا و ظهور فیدل کاسترو متوقف می‌کنیم و فقط از اتومبیل‌های آن زمان استفاده می‌کنیم یا با همین شیوه مرخص ۴۵ساله، کج دار و مریز را ادامه می‌دهیم؛ البته با همه تبعاتش که روزبه‌روز سنگین‌تر می‌شود.

خودرو فقط یک مثال است. تقریباً در همه موارد سیاست‌گذاری نداریم و اگر هم در برخی موارد جملاتی گفته یا نوشته می‌شود، آن را فقط برای داخل پرونده‌ها و کمدهای بایگانی و البته برای فایل‌های کامپیوتری می‌خواهیم.

۵ صفحه ادامه در

پنجشنبه ۱۷آبان ۱۴۰۳
۵ جمادی‌الاول ۱۴۴۶
۷ نوامبر ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۹۶۹
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

ولادت حضرت زینب (س) را تبریک می‌گوییم

در «شرق» امروز می‌خوانید:
واکاوی احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه از سوی اروپایی‌ها در گفت‌وگو با علی بیگدلی • «وفاق» پزشکیان را به کجا می‌برد؟/ اعظم ویسمه

ترامپ و جمهوری خواهان به قدرت بازگشتند

وضعیت قرمز در واشنگتن



نگاه کارشناسان به تأثیر بازگشت ترامپ به سیاست خارجی

از نگرانی تا خوش بینی

بررسی تأثیر انتخابات آمریکا بر اقتصاد ایران

شوک ترامپ

یادداشت

قلمروهای گسترده فرهنگ و میراث ایرانی

وقتی در سمرقند و بخارا و خیوه و مساجد و مدارس قدیمی می‌چرخي و بر لب حوض‌های شهر می‌نشینی تا نفسی تازه کنی، اصلا احساس غربی نمی‌کنی. برعکس، حس می‌کنی مرزها تا «ماورای نهر» عظیمی که همیشه مرز ایران را تعیین می‌کرد، یعنی همان جوی مولیان یا آمودریا یا جیحونی که همه جا در ادبیات ما آمده، کش آمده‌اند و ایران قبل از دوره صفوی در آنجا ادامه یافته است. آری، این معماری را اگرچه معماران و هنرمندان شیراز و تبریز و کاشان که تیمور با خود به اینجا آورد، ساختند و چرخ زیا هم ساختند، اما نمی‌دانم چرا همه چیز اینجا بزرگ‌تر و بلندتر و باشکوه‌تر است. البته، این فخر شکفت از ویژگی‌های معماری دوره تیموری است.

هنوز در تاشکند هستم و از ازبکستان برایتان می‌نویسم. بعد از ۳۰ سال که از اولین دیدارم از این کشور می‌گذشت، باز نتوانستم مقاومت کنم و برای تجدید دیداری با همه آنچه در قلم زنده مانده بود، به این دیار دلخواه بازنگردم. باید بگویم همه جا به هر حال بعد از فروپاشی شوروی در این سال‌ها تغییر کرده است، اما آنچه مغناطیس این شهرهای تاریخی را جذاب نگه می‌دارد، میراث تاریخی و طبیعی شهرهای دوره تیموری است. اگرچه فرهنگ‌های دیگری هم به‌رحال در طول این چندصد سال تأثیر خود را بر کالبد و زندگی شهر حک کرده‌اند… به‌خصوص فرهنگ روسی که از بعد از جنگ جهانی دوم اینجا غالب شد و رد استخوان‌بندی شهر و خیابان‌های وسیع آن را رقم زد.

به هر رو، علقه ما با ایران‌شهر مال امروز و دیروز نیست. چندی پیش بود که دکتر محمدجواد حق‌شناس از من خواست درباره معماری شهر هرات افغانستان برای یک شماره ویژه مجله نهمروز مطلبی بنویسم. در پاسخشان نوشتم که آرزو دارم درباره هرات دوران شاه‌رخ، نواده برحق تیمور و پسر الغ‌بیک بی‌همتا که شکوه سمرقند و بخارا همه از اوست برایتان بنویسم. معماری دوران شاه‌رخ در هرات زیبا و پابرجاست… بخشی به همت آرش بوستانی و یونسکو.

انالله و انا الیه راجعون

جناب آقای مهندس گلشنی

درگذشت والده همسر گرامی را خدمت شما و خانواده

محترم تسلیت عرض میکنم. ما را در غم خود شریک بدانید.

امیرمظاهری

انا لله و انا الیه راجعون

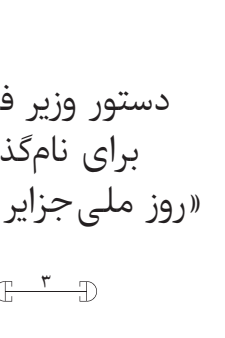
بانهایت تاسف و تأثر درگذشت مادری دلسوز و مهربان مرحومه مغفوره

بانو مهناز مظاهری

را تسلیت عرض می‌کنیم از خداوند متعال برای آن مرحومه آموزش و برای بازماندگان صبر و اجر آرزومندیم.

هم چنین به اطلاع کلیه اقوام و آشنایان محترم می‌رساند مراسم یادبودی در روز جمعه مورخ۱۴۰۳/۰۸/۱۴ از ساعت ۱۱:۰۰ الی ۱۲:۳۰ در حسینیه درنیانها واقع در ستارخان، خیابان باتریس برگزارمی‌گردد. حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

از طرف امیرمظاهری و خانواده



دستور وزیر فرهنگ

برای نام‌گذاری

«روز ملی جزایر سه‌گانه»

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از آزار کودکان اتیسم توسط برخی درمانگرها که زیر نظر بهزیستی و دانشگاه علوم پزشکی کاری‌کنند

شرایط خاص در اطاق درمان

روایتی از گبروگرفت زندگی مردم وزیر بوست خیابان

سرگردنه بانک‌ها

کاغذی یا دیجیتالی

بحران در دنیای کتاب‌خوانی

و دوراهی انتخاب میان سنت و فناوری



وناگهان عادل

چرا کروز الگوی موفق

بخش خصوصی در

قطعه‌سازی و اشتغال است

یادداشت

حقوق شهروندی زیر پای

ابزار مدرن در فلسطین و لبنان



کیکاوس پوریوبی

همواره این سؤال اساسی در تفکر و ضمیر هر انسان آزاده‌ای ایجاد می‌شود که چرا به‌این‌صورت انسان‌هایی در دل یک سرزمین کهن و باستانی که متعلق به خودشان است، در باتلاقی به دام افتاده‌اند و قربانی و سلاخی می‌شوند و گروهی اقلیت با آسایش خاطر، از هوار، زمین، دریا… و به وسیله آخرین تکنولوژی با پیران، جوانان، کودکان، زنان و مردان به این شکل در زندگی و قساوت قلب عمل می‌کنند و برای نابودی نسلی از هیچ اقدامی فرکاندا نمی‌کنند و حتی دنیای مدرن این تجاوز افسارکسیخته و مست را در دفاع از خود تعریف می‌کند. مگر در قرن بیست‌ویکم لیبرالیسم و فلسفه فردگرایی بر ماشین جنگی دنیای متمدن حکومت نمی‌کند؟ پس این‌همه توحش بر چه مبنایی حاکم است؟ گروهی از فیلسوفان در قرن بیستم در قالب مکتب فرانکفورت یا نظریه انتقادی هم لیبرالیسم را نقد کرده و هم آینده بشریت را پیش‌بینی کرده بودند. فیلسوفان بزرگی مانند گرامشتی، هورکهایمر، فوکو، هابرماس… با طرح این سؤال اساسی که چرا و چگونه نازیسم در یک کشور توسعه‌یافته و به‌ظاهر متمدن رشد می‌کند، دغدغه خود را به دنیای متمدن گفته‌اند، به‌ویژه طرح مبحث مهمی مانند مطرح‌شدن اصول بنیادین عقلانیت ابزاری در مقابل عقلانیت ارتباطی از طرف هابرماس، فیلسوف آلمانی که انسان مدرن را همانند ابزاری وابسته به خود کرده و فلسفه لیبرالیسم را زیر سؤال برده و به عاقبت این دستاورد بشر هدشار داده‌اند. اکنون تبلور رفتاری انسان مدرن است که در تعامل با ممنوع خود به صورت یک ابزار و شیء نگریسته می‌شود و این برخورد‌های خشن از جنس توحش بسروز و ظهور می‌کند. درست است که جنگ و ستیز انسان علیه انسان همواره بر کل تاریخ حاکم بوده است، اما سؤال این است که در قرن به‌اصطلاح مدرن و تکامل‌یافته رفتار انسان با هم دوباره باید همانند انسان‌های نخستین باشد؟